فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

شماره مجوز: ۹۴۲۲۱ ((شماره دهم-پاییز۱۴۰۴)) ISSN : 2981-099X

از ضرورت تا اجرا: چالش‌ها و فرصت‌های ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی[۱]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۲۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۹/۲۷)

مژگان توکلی

چکیده

در عصر دیجیتال، ارتقای سواد دیجیتال به‌عنوان یک ضرورت اساسی در آموزش زبان انگلیسی مطرح است. این مقاله با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با سواد دیجیتال، نشان می‌دهد که موانعی همچون محدودیت‌های زیرساختی، ناآمادگی معلمان، مقاومت فرهنگی و شکاف نسلی، بهره‌گیری مؤثر از فناوری در آموزش زبان را محدود می‌کنند. با این حال، فناوری‌های دیجیتال فرصت‌هایی منحصر به فرد برای توسعه یادگیری فراگیر، تقویت یادگیری خودراهبر، ارتقای مهارت‌های چندزبانه و بین‌فرهنگی، و بازتعریف نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر و طراح یادگیری فراهم می‌آورند. تحلیل نمونه‌های موفق داخلی، از جمله پروژه‌های قصه‌گویی دیجیتال و فعالیت‌های انجمن‌های علمی دانشگاهی، نشان می‌دهد که تلفیق فناوری با فرهنگ بومی و طراحی محتوای خلاقانه می‌تواند مشارکت فعال زبان‌آموزان و کیفیت یادگیری را افزایش دهد. پژوهش حاضر با مرور ادبیات نظری و مطالعات تجربی، ابعاد فنی، شناختی و اجتماعی-فرهنگی سواد دیجیتال را در آموزش زبان انگلیسی شناسایی و بررسی می‌کند و بر ضرورت برنامه‌ریزی نظام‌مند برای توانمندسازی معلمان و کاهش شکاف دیجیتال تأکید دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران، طراحان برنامه درسی و معلمان در جهت ارتقای کیفیت آموزش زبان، گسترش عدالت آموزشی و بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های نوین کمک کند. در نهایت، پژوهش پیشنهاد می‌کند که توسعه مدل‌های بومی آموزش دیجیتال، آموزش مستمر معلمان، و مواجهه نقادانه با فناوری، از راهبردهای کلیدی برای تحقق آموزش زبان انگلیسی دیجیتال‌محور در ایران هستند.

واژه‌های کلیدی: سواد دیجیتال، آموزش زبان انگلیسی، یادگیری خودراهبر، فناوری آموزشی، عدالت آموزشی

---

[۱] بر اساس نظر هیات داوران همایش های بنیاد علمی قانون یار این مقاله، به عنوان یکی از مقالات برگزیده و منتخب دهمین همایش بنیاد علمی قانون یار تحت عنوان (همایش ملی تحقیقات و یافته های نوین علمی در حوزه علوم انسانی و فرهنگی) در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ در استان اصفهان (دانشگاه آزاد واحد دهاقان) برگزار شد، انتخاب گردید. این مقاله علاوه بر پذیرش در همایش، به صورت رایگان در فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی مورد پذیرش و چاپ قرار گرفت.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، ما شاهد دگرگونی بنیادینی در ماهیت آموزش و یادگیری بوده‌ایم؛ دگرگونی‌ای که تا حد زیادی متأثر از ظهور و گسترش فناوری های دیجیتال است. در چنین بستری، مفاهیمی چون «سواد دیجیتال» بیش از پیش اهمیت یافته‌اند؛ مفاهیمی که فراتر از مهارت‌های پایه‌ای کار با رایانه، به توانایی تحلیل، ارزیابی انتقادی، تولید و مدیریت محتوا در فضای دیجیتال اشاره دارند (اشت[۱]، ۲۰۰۴). ما بر این باوریم که در قرن بیست‌ویکم، سواد دیجیتال نه‌تنها یک قابلیت فردی، بلکه ضرورتی تربیتی و اجتماعی است که باید در نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان، جایگاهی مشخص و کارکردی داشته باشد.

زبان انگلیسی، به‌عنوان زبان اصلی در تولید محتوا و تعاملات آنلاین، جایگاهی ویژه در این میان دارد. از یک سو، منابع آموزش زبان به‌طور روزافزون به بسترهای دیجیتال منتقل شده‌اند و از سوی دیگر، خود زبان‌آموزان به‌عنوان "بومیان دیجیتال" (پرنسکی[۲]، ۲۰۰۱)، با ابزارها و شیوه‌هایی متفاوت از گذشته درگیر یادگیری هستند. ما معتقدیم که بدون برخورداری از سواد دیجیتال، بهره‌گیری بهینه از این منابع و فرصت‌ها ممکن نخواهد بود.

در بستر نظام آموزشی ایران، لزوم ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی دوچندان می‌نماید. به‌عنوان نمونه، گزارش‌ها حاکی از آن‌اند که تا شهریور ۱۴۰۱ حدود ۸۷٪ از مدارس کشور به اینترنت متصل بوده‌اند، اما داده‌های دقیق درباره توانمندی معلمان و وضعیت استفاده مؤثر از این بسترها هنوز کامل نیست (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱). همچنین، هرچند طرح آموزش سواد دیجیتال برای نخستین بار در پنج درصد مدارس ابتدایی کشور تعریف شده است، نشان‌دهنده آغاز راه در زمینه آموزش مهارت‌های دیجیتال است (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، آمارهای مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران نشان می‌دهد بیش از ۸۰٪ از جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ایران از اینترنت استفاده می کنند، که بیانگر ظرفیت بالقوه‌ای برای یادگیری زبان انگلیسی در فضای

---

[۱] Eshet
[۲] Prensky

دیجیتال است (مِگنا، ۱۴۰۳). با این حال، فقدان برنامه‌ریزی منسجم برای توانمندسازی معلمان زبان، نابرابری میان مدارس شهری و روستایی، و مقاومت فرهنگی بعضاً مشاهده شده است. بنابراین، تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های بومی در حوزه سواد دیجیتال، ضمن تأکید بر تعامل نظریه و عمل، می‌تواند زمینه‌ساز بازاندیشی سیاست‌های آموزشی کشور و تقویت موقعیت زبان‌آموزان و معلمان ایرانی باشد.

پژوهش حاضر تلاشی است برای واکاوی انتقادی ضرورت ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، با تمرکز ویژه بر چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو در نظام آموزشی ایران. در این راستا، مقاله می‌کوشد با مروری نظام‌مند بر ادبیات نظری و پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی، تصویری چندلایه از وضعیت موجود ارائه دهد و ابعاد فنی، شناختی و فرهنگی مسئله را در بافت واقعی آموزش زبان کشور تحلیل نماید. هدف اصلی، نه صرفاً تبیین اهمیت سواد دیجیتال، بلکه شناسایی موانع ساختاری و فرهنگی تحقق آن در آموزش رسمی و غیر رسمی زبان انگلیسی در ایران است. از این منظر، پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن تأکید بر پیوند میان نظریه و عمل، به ارائه راهکارهایی بومی و کاربردی برای سیاست‌گذاران، طراحان برنامه درسی، و معلمان زبان بپردازد. این راهکارها ناظر بر توسعه حرفه‌ای معلمان، طراحی منابع چندرسانه‌ای، و شکل‌دهی به نگرش انتقادی نسبت به فناوری در محیط‌های آموزشی است؛ امری که می‌تواند زمینه‌ساز گذار از آموزش سنتی زبان به آموزش دیجیتال‌محور، فراگیر و عدالت‌محور در ایران باشد.

۲. مفهوم سواد دیجیتال و ابعاد آن در آموزش زبان انگلیسی

در مسیر بررسی ضرورت ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، نخست باید به تعریف دقیق این مفهوم و تبیین ابعاد آن بپردازیم. ما بر این باوریم که فهم روشن از چیستی سواد دیجیتال، پیش‌زمینه‌ای ضروری برای تحلیل چالش‌ها و فرصت‌ها در این حوزه است.

مفهوم «سواد دیجیتال» در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات مفهومی متعددی شده است. در ابتدا، این اصطلاح بیشتر به مهارت‌های فنی کار با رایانه و ابزارهای دیجیتال اطلاق می‌شد. اما با پیشرفت فناوری و گسترش نقش آن در زیست روزمره و فرایندهای یادگیری، تعریف آن نیز

پیچیده‌تر شده است (نگ[۱]، ۲۰۱۲). بر اساس رویکردهای نوین، سواد دیجیتال تنها به توانایی استفاده از فناوری محدود نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌هاست که فرد را قادر می‌سازد در محیط دیجیتال به شیوه‌ای مسئولانه، انتقادی، و خلاق عمل کند (مارتین[۲]، ۲۰۰۸؛ حسینی، ۱۴۰۰).

در این پژوهش، سواد دیجیتال را به‌مثابه یک صلاحیت چندبعدی در نظر می‌گیریم که می‌توان آن را در سه بعد اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. بعد فنی[۳]: توانایی استفاده از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، پلتفرم‌های یادگیری و ابزارهای ارتباطی دیجیتال. این بعد، پایه‌ای‌ترین سطح سواد دیجیتال است که امکان ورود به جهان دیجیتال را فراهم می‌آورد.

۲. بعد شناختی–تحلیلی[۴]: توانایی تحلیل، تفسیر، ارزیابی و تولید محتوا در فضای دیجیتال، به ویژه در برابر اطلاعات نادرست، سوگیری‌ها و دست‌کاری‌های رسانه‌ای. در آموزش زبان، این بعد به درک لایه‌های معنایی، متنی و فرهنگی محتوای دیجیتال کمک می‌کند (اشت–آلکالای[۵]، ۲۰۰۴؛ عابدی و همکاران، ۱۳۹۹).

۳. بعد اجتماعی–اخلاقی[۶]: آگاهی از قواعد تعامل دیجیتال، حریم خصوصی، حقوق مالکیت فکری و رفتار مسئولانه در محیط آنلاین. ما این بعد را برای آموزش زبان بسیار حیاتی می دانیم، زیرا

[۱] Ng
[۲] Martin
[۳] Technical Literacy
[۴] Cognitive and Critical Literacy
[۵] Eshet-Alkalai
[۶] Social and Ethical Literacy

تعاملات زبانی در بسترهای دیجیتال اغلب در فضاهای بین‌فرهنگی و متکثر رخ می‌دهند (جونز و هافنر[۱]، ۲۰۱۲).

در حوزه آموزش زبان انگلیسی، سواد دیجیتال نه‌فقط به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان یک وسیله ضروری برای یادگیری مؤثر عمل می کند. زبان آموزی در عصر دیجیتال دیگر صرفاً در کلاس های سنتی رخ نمی‌دهد؛ بلکه بخش قابل توجهی از آن در محیط های دیجیتالی همچون رسانه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های یادگیری، نرم‌افزارهای تلفن همراه و حتی بازی‌های آموزشی اتفاق می‌افتد (ریندرز[۲]، ۲۰۱۸). بنابراین، ما باور داریم که فقدان سواد دیجیتال در زبان آموز یا معلم، به معنای حذف بخش مهمی از فرصت‌های یادگیری است.

بنابراین امروزه، سواد دیجیتال یک مهارت مکمل نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از صلاحیت حرفه‌ای معلمان زبان و از ملزومات یادگیری مؤثر برای زبان‌آموزان است. شناخت و پرورش این سواد، پیش‌شرط ورود آگاهانه و موفق به فرایند آموزش زبان در جهان دیجیتالی امروز است.

در ایران، بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که وضعیت سواد دیجیتال در ارتقای آموزش زبان انگلیسی هنوز با چالش‌های جدی مواجه است. به عنوان مثال، مطالعه "سواد دیجیتالی معلمان زبان انگلیسی در محیط های آموزشی ایران: ضرورت حرفه سازی معلمان در دنیای دیجیتال" با نمونه‌ای از ۲۳۹ معلم زبان انگلیسی در شهرهای ایران نشان داد که سطح سواد دیجیتال معلمان از نظر بعد فنی و نگرش نسبتاً بالا بوده اما در بعد شناختی بسیار پایین گزارش شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۸). افزون بر این، پژوهش "سواد دیجیتالی اساتید زبان انگلیسی برای اهداف آکادمیک: چالش‌ها، فرصت‌ها و وضعیت کنونی" با شرکت ۷۹ استاد دانشگاه نشان داد که بسیاری از اساتید ایرانی در بهره‌گیری از ابزارها و برنامه‌های کامپیوتری برای آموزش زبان انگلیسی، به سطح متوسطی رسیده‌اند و غالباً آموزش رسمی در زمینه سواد دیجیتال دریافت نکرده‌اند؛ عامل‌هایی چون «کمبود زمان»، «محدودیت برنامه آموزشی»، و «عدم توجه مدیران آموزشی» در این میان مؤثر

[۱] Jones & Hafner

[۲] Reinders

شناخته شده‌اند (نادری و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین در اسناد بین‌المللی نیز تأکید شده است که تحولات قرن بیست‌ویکم از کشورهایی چون ایران می‌خواهند زیرساخت‌ها، دسترسی به اینترنت، و ابزارهای آموزشی دیجیتال را بهبود بخشند تا شکاف دیجیتال کاهش یابد (یونسکو، ۱۳۹۹). بنابراین، با آن‌که بستر فناوری و اینترنت در ایران در حال گسترش است، فقدان آموزش نظام‌مند معلمان، ضعف در بعد شناختی سواد دیجیتال، و نابرابری منطقه‌ای همچنان موانعی جدی بر سر راه استفاده مؤثر از فناوری در آموزش زبان انگلیسی محسوب می‌شوند.

۳. چالش‌های ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی

با وجود اهمیت روزافزون سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، آن‌گونه که در بخش‌های پیشین شرح دادیم، ما در مسیر ارتقای این نوع سواد با موانع و چالش های متعددی روبه‌رو هستیم. این چالش‌ها، هم در سطح فردی و نهادی و هم در سطح زیرساختی و فرهنگی قابل تحلیل‌اند. در این بخش، تلاش ما بر آن است تا مهم‌ترین چالش‌های موجود را شناسایی و تحلیل کنیم.

۳.۱. چالش‌های زیرساختی و فنی

یکی از نخستین و ملموس‌ترین موانع، کمبود یا ضعف زیرساخت‌های فناورانه در بسیاری از محیط های آموزشی است. نبود دسترسی پایدار به اینترنت، کمبود تجهیزات آموزشی دیجیتال مانند رایانه‌ها، تخته‌های هوشمند و پلتفرم‌های مناسب یادگیری آنلاین، از جمله مواردی است که در مدارس و مؤسسات آموزشی، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، به کرات مشاهده می‌کنیم (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ورشاور[۱]، ۲۰۰۳). این وضعیت، نه‌تنها فرصت‌های یادگیری دیجیتال را محدود می‌کند، بلکه نوعی شکاف دیجیتال میان دانش‌آموزان، معلمان و مدارس مختلف ایجاد می‌کند. از منظر ما، این شکاف، آموزش زبان را نابرابر و فرصت‌های آن را غیرعادلانه می‌سازد.

[۱] Warschauer

۳.۲. ناآمادگی و کمبود دانش معلمان

یکی دیگر از موانع مهم، ناآمادگی بسیاری از معلمان برای بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های نوین است. بسیاری از معلمان زبان در نظام آموزشی، یا آموزش رسمی در زمینه سواد دیجیتال ندیده اند یا نسبت به کاربرد ابزارهای فناوری در کلاس زبان دیدگاهی سنتی و گاه مقاوم دارند (هوبارد[۱]، ۲۰۱۳؛ حسینی، ۱۴۰۰). این چالش به‌ویژه در میان نسل‌های پیشین معلمان بیشتر به چشم می‌خورد. بنابراین می توان گفت، که نبود برنامه‌های منسجم برای آموزش معلمان در زمینه طراحی، مدیریت و ارزشیابی فعالیت‌های دیجیتال‌محور، مانعی جدی در مسیر تحول آموزش زبان محسوب می‌شود.

۳.۳. مقاومت فرهنگی و گفتمانی

در بسیاری از بافت‌های آموزشی، هنوز نوعی گفتمان محافظه‌کارانه نسبت به فناوری‌های دیجیتال حاکم است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آموزشی یا حتی منابع چندرسانه‌ای، از سوی برخی والدین، مدیران یا حتی خود معلمان، «غیراستاندارد»، «کم اثر» یا «مخرب تمرکز» تلقی می‌شود (سلوین[۲]، ۲۰۱۱).

این مقاومت‌ها اغلب ریشه در نبود آگاهی رسانه‌ای، تجربه‌های منفی پیشین یا ترس از تغییر دارند؛ درحالی که مواجهه نقادانه و تربیتی با ابزارهای دیجیتال، می تواند مسیر مؤثرتری برای مواجهه با این تحولات باشد.

۳.٤. شکاف نسلی و تفاوت در سبک‌های یادگیری

زبان‌آموزان امروز، برخلاف بسیاری از معلمان، "بومیان دیجیتال" اند؛ نسلی که از کودکی در تعامل با فناوری رشد کرده‌اند و سبک‌های یادگیری، تعامل و تمرکز متفاوتی دارند (پرنسکی،

[۱] Hubbard

[۲] Selwyn

۲۰۰۱). این تفاوت، گاه به گسست ارتباطی و آموزشی میان معلم و زبان‌آموز می‌انجامد. اگر معلمان با این تحولات آشنا نباشند و خود را با سبک‌های یادگیری دیجیتال‌محور وفق ندهند، نمی‌توانند انگیزه و مشارکت فعال زبان‌آموزان را در فرایند یادگیری حفظ کنند.

چالش‌های ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، تنها فنی یا آموزشی نیستند؛ بلکه بازتابی از پیچیدگی‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی‌اند. ما در مواجهه با این چالش‌ها، نیازمند برنامه‌ریزی کل‌نگر، سرمایه‌گذاری آموزشی و ایجاد تغییر در گفتمان غالب هستیم؛ چرا که تحول آموزشی بدون تحول در نگرش و آمادگی دیجیتال، پایدار و فراگیر نخواهد بود.

٤. فرصت‌های ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی

اگرچه چالش‌های متعددی در مسیر ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی وجود دارد، ما بر این باوریم که مواجهه آگاهانه و راهبردی با این مسئله می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را برای توسعه یادگیری زبان، توانمندسازی معلمان، و تحول نظام های آموزشی فراهم سازد. در این بخش، به مهم‌ترین فرصت‌هایی می‌پردازیم که ارتقای سواد دیجیتال برای آموزش زبان انگلیسی به همراه دارد.

٤.۱. گسترش دسترسی و یادگیری فراگیر

یکی از بارزترین فرصت‌های ناشی از به‌کارگیری ابزارهای دیجیتال، افزایش دسترسی به منابع آموزشی برای زبان‌آموزان با زمینه‌های مختلف جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی است. پلتفرم‌های یادگیری آنلاین، نرم‌افزارهای تلفن همراه، و منابع باز آموزشی (OERs)، امکان یادگیری زبان را از هر مکان و در هر زمان ممکن ساخته‌اند (ریندرز و وایت، ۲۰۱۶). ما این ویژگی را گامی مهم در جهت دموکراتیزه‌کردن آموزش زبان می‌دانیم. علاوه بر این، محیط‌های دیجیتال می‌توانند به زبان‌آموزانی با نیازهای خاص، فرصت‌هایی متناسب با سبک یادگیری شخصی‌شان ارائه دهند؛ فرصتی که در شیوه‌های سنتی آموزش کمتر فراهم می‌شد (حسینی، ۱۴۰۰).

٤.٢. تقویت یادگیری خودراهبر و مشارکتی

سواد دیجیتال، در صورتی که به درستی در آموزش زبان ادغام شود، می‌تواند زبان‌آموز را از یک یادگیرنده منفعل به یک کنشگر فعال در فرایند یادگیری بدل سازد. ما معتقدیم که ابزارهای دیجیتال می‌توانند زمینه‌ساز یادگیری خودراهبر[۱] و مشارکتی شوند، به‌ویژه از طریق ابزارهایی مانند پادکست‌ها، وبلاگ‌ها، ویدئوهای آموزشی، و شبکه‌های اجتماعی آموزشی (استوکول[۲]، ۲۰۱۳). زبان‌آموزانی که سواد دیجیتال بالاتری دارند، توان بیشتری برای جست‌وجوی منابع، ارزیابی محتوا، برنامه‌ریزی شخصی یادگیری و حتی تولید محتوای زبانی از خود نشان می‌دهند؛ و این‌ها دقیقاً همان مؤلفه‌هایی‌اند که به یادگیری عمیق‌تر زبان کمک می‌کنند.

٤.٣. تقویت شایستگی‌های چندزبانه و بین‌فرهنگی

یکی از فرصت‌های بی‌بدیل محیط‌های دیجیتال، فراهم‌آوردن امکان تعامل میان‌فرهنگی و چندزبانه است. ابزارهای دیجیتال، مانند انجمن‌های آنلاین، اتاق‌های گفتگو، یا پروژه‌های یادگیری مبتنی بر همکاری، این امکان را برای زبان‌آموزان فراهم می‌کنند تا با گویشوران بومی زبان دوم یا سایر زبان‌آموزان در سرتاسر جهان تعامل واقعی برقرار کنند (تورن[۳]، ۲۰۱۰). ما این فضاها را محیط‌هایی پویا برای رشد مهارت‌های بین‌فرهنگی، گسترش دایره واژگان، و تقویت مهارت‌های زبانی کاربردی می‌دانیم؛ مهارت‌هایی که در کلاس‌های سنتی کمتر قابل تحقق‌اند.

---

[۱] self-directed learning

[۲] Stockwell

[۳] Thorne

٤.٤. بازآفرینی نقش معلم در عصر دیجیتال

ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان، فقط به نفع زبان‌آموزان نیست؛ بلکه فرصت بازتعریف نقش معلمان را نیز فراهم می‌سازد. معلمان در محیط دیجیتال از نقش انتقال‌دهنده صرف محتوا، به تسهیل‌گر، طراح یادگیری و منتقد رسانه‌ای بدل می‌شوند (کسلر[۱]، ۲۰۱۸).

این دگرگونی، نه‌تنها انگیزه و مشارکت معلمان را افزایش می‌دهد، بلکه آن‌ها را به بازیگرانی فعال در فرایند تحول آموزشی تبدیل می کند. این نقش جدید، نیازمند سواد دیجیتال پیشرفته و نگاه انتقادی به فناوری است، اما در عین حال، فرصت‌ساز و ارتقادهنده نیز هست.

با وجود چالش های موجود، ارتقای سواد دیجیتال، یکی از راهبردهای کلیدی برای تحول آموزش زبان در جهان امروز است. اگر این تحول با آگاهی نظری، برنامه‌ریزی آموزشی و سرمایه‌گذاری انسانی همراه شود، می‌تواند زمینه‌ساز گشودن افق‌های جدیدی در یادگیری زبان، توسعه حرفه‌ای معلمان، و عدالت آموزشی شود.

٤.٥ نمونه‌های موفق داخلی در آموزش دیجیتال زبان

در سال های اخیر، چندین تجربه موفق در حوزه آموزش دیجیتال زبان در ایران اجرا شده است که می‌تواند به‌عنوان الگوهای بومی در توسعه سواد دیجیتال معلمان و زبان‌آموزان مورد توجه قرار گیرد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که با وجود محدودیت‌های زیرساختی و آموزشی، خلاقیت و نوآوری در طراحی محتوا و به‌کارگیری فناوری‌های بومی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود فرایند یاددهی–یادگیری زبان انگلیسی ایفا کند.

یکی از نمونه‌های قابل توجه، طرح «قصه‌گویی دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی» است که از سوی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش اجرا شد. این طرح با هدف تقویت مهارت‌های گفتاری و نوشتاری زبان‌آموزان از طریق تولید و بازآفرینی قصه‌های بومی ایرانی در

[۱] Kessler

محیط‌های دیجیتال طراحی گردید. نتایج گزارش‌ها نشان می‌دهد که مشارکت فعال دانش‌آموزان در خلق روایت‌های چندرسانه‌ای سبب افزایش انگیزه، خلاقیت زبانی و درک فرهنگی آنان شده است (دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، ۱۴۰۲). همچنین، پژوهش‌های دانشگاهی مرتبط با این پروژه نشان داده‌اند که تلفیق فناوری و فرهنگ بومی، به بهبود ارتباط میان زبان‌آموزان و محتوای آموزشی منجر می‌شود (رحیمی و صادقی، ۱۳۹۴؛ رزمی، پورعلی، و نوزاد، ۱۳۹۳).

نمونه موفق دیگر، فعالیت‌های دیجیتال انجمن علمی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد است. این انجمن از سال ۱۴۰۱ با راه‌اندازی پادکست‌های آموزشی، ویدیوهای کوتاه طنز و جلسات مکالمه آنلاین، بستری نوآورانه برای تمرین مهارت‌های زبانی فراهم کرده است. پادکست‌های تولیدی که به‌صورت هفتگی منتشر می‌شوند، موضوعاتی چون اصطلاحات روزمره، نکات گرامری و مباحث فرهنگی را پوشش می‌دهند. تجربه دانشگاه فردوسی نشان می‌دهد که ایجاد فضاهای دیجیتال خودگردان توسط دانشجویان می‌تواند به شکل چشمگیری حس تعلق، خلاقیت و خودبیان‌گری در یادگیری زبان را افزایش دهد (نبوی، ۱۴۰۳).

به طور کلی، تحلیل این تجربه‌ها حاکی از آن است که موفقیت در آموزش دیجیتال زبان در ایران در گرو سه عامل اساسی است: نخست، بومی‌سازی محتوا و بهره‌گیری از فرهنگ ملی در تولید مواد آموزشی؛ دوم، توانمندسازی معلمان و زبان‌آموزان در طراحی و استفاده از ابزارهای دیجیتال؛ و سوم، حمایت نهادهای آموزشی از نوآوری‌های فناورانه در محیط‌های دانشگاهی و مدرسه‌ای. بهره‌گیری از این الگوهای بومی می‌تواند گامی مؤثر در جهت توسعه پایدار سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی در ایران باشد.

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که ارتقای سواد دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، اگرچه با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، اما فرصت‌های چشمگیری نیز به همراه دارد. مهم‌ترین چالش‌ها شامل محدودیت‌های زیرساختی و فنی، ناآمادگی و کمبود دانش معلمان، مقاومت فرهنگی و گفتمان محافظه‌کارانه، و شکاف نسلی میان معلمان و زبان‌آموزان بود. این موانع نه تنها بهره‌گیری مؤثر از

فناوری در آموزش زبان را محدود می‌کنند، بلکه می‌توانند موجب نابرابری و کاهش کیفیت یادگیری شوند.

با این حال، فرصت‌های ناشی از سواد دیجیتال، از جمله گسترش دسترسی و یادگیری فراگیر، تقویت یادگیری خودراهبر و مشارکتی، توسعه شایستگی‌های چندزبانه و بین‌فرهنگی، و بازآفرینی نقش معلم در محیط آموزشی دیجیتال، بیانگر پتانسیل بالای فناوری برای تحول آموزش زبان در ایران هستند. تجربه‌های موفق داخلی، مانند پروژه‌های قصه‌گویی دیجیتال و فعالیت‌های انجمن‌های علمی دانشگاهی، نشان می‌دهند که تلفیق فناوری، فرهنگ بومی و خلاقیت آموزشی می‌تواند مسیر ارتقای سواد دیجیتال را هموار سازد و انگیزه و مشارکت زبان‌آموزان را افزایش دهد.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کنند که ارتقای سواد دیجیتال، نه یک انتخاب اختیاری، بلکه یک ضرورت آموزشی و تربیتی برای پاسخگویی به نیازهای زبان‌آموزان و توسعه حرفه‌ای معلمان در عصر دیجیتال است. این امر نیازمند برنامه‌ریزی کل‌نگر، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نظام‌مند معلمان و بازتعریف گفتمان آموزشی در جامعه است.

٦ .پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده

۱ .تحلیل عمیق‌تر ابعاد شناختی سواد دیجیتال معلمان :پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی دقیق‌تر چگونگی توسعه توانایی‌های تحلیلی و انتقادی معلمان در محیط‌های دیجیتال و تأثیر آن بر یادگیری زبان بپردازند.

۲ .مطالعه تجربی بر اثرات محیط‌های دیجیتال بر یادگیری خودراهبر :شناسایی ابزارها و روش‌های مؤثر برای تقویت یادگیری مستقل و مشارکتی زبان‌آموزان در محیط‌های دیجیتال، به ویژه با استفاده از فناوری‌های بومی، از جمله موضوعات پیشنهادی است.

۳ .بررسی شکاف دیجیتال و عدالت آموزشی :پژوهش‌های آینده می‌توانند بر تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای، اقتصادی و جنسیتی در دسترسی به ابزارها و منابع دیجیتال تمرکز کنند و راهکارهای سیاست‌محور برای کاهش شکاف دیجیتال ارائه دهند.

۴ .توسعه مدل‌های بومی آموزش دیجیتال زبان :مطالعه و طراحی مدل‌های آموزش دیجیتال مبتنی بر فرهنگ و نیازهای بومی می‌تواند به ارتقای کیفیت و اثرگذاری برنامه‌های آموزشی کمک کند.

۵ .تحلیل نقش گفتمان فرهنگی و اجتماعی در پذیرش فناوری :بررسی تأثیر نگرش‌ها، باورها و مقاومت‌های فرهنگی بر استفاده از فناوری‌های دیجیتال توسط معلمان و خانواده‌ها، به‌ویژه در بافت‌های روستایی و کمتر توسعه‌یافته، زمینه‌ساز سیاست‌گذاری آموزشی مؤثر خواهد بود.

۶ .پژوهش‌های طولی و میان‌نسلی :بررسی تغییرات مهارت‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های یادگیری دیجیتال زبان‌آموزان و معلمان در طول زمان، می‌تواند به درک بهتر فرآیندهای تحول دیجیتال در آموزش زبان کمک کند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. عابدی، م.، رضایی، ل.، کاظمی، ن. (۱۳۹۹). شکاف دیجیتال و آموزش زبان انگلیسی: مطالعه‌ای تحلیلی .فصلنامه فناوری آموزشی

۲. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی. (۱۴۰۲). آموزش فناوری‌های نوین در آموزش زبان انگلیسی به فراگیران ایرانی: قصه‌گویی دیجیتال با تکیه بر فرهنگ و قصه‌های ایرانی . تهران: وزارت آموزش‌وپرورش. [در دسترس در roshdmag.ir]

۳. حسینی، م. (۱۴۰۰). بررسی نقش سواد دیجیتال در ارتقای کیفیت آموزش زبان .فصلنامه مطالعات آموزش زبان، ۱۲(۲)، ۵۵–۷۲.

۴. اسفندیاری، ر. (۱۳۹۸). سواد دیجیتالی معلمان زبان انگلیسی در محیط‌های آموزشی ایران: ضرورت حرفه‌سازی معلمان در دنیای دیجیتال .پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۹(۳)، ۶۹۱–۷۲۰.

۵. نبوی، س. (۱۴۰۳). از آموزش تا تولید محتوای دیجیتال در انجمن علمی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد .خبرگزاری ثریا

۶. نادری، ف.، احمدی، م، محمودی، س. (۱۴۰۲). سواد دیجیتالی اساتید زبان انگلیسی برای اهداف آکادمیک: چالش‌ها، فرصت‌ها و وضعیت کنونی .پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۱ (۳)، ۴۱۷– ۴۳۳.

۷. یونسکو. (۱۳۹۹). گزارش وضعیت کشور ایران در طرح آموزش و پرورش دیجیتال تهران: یونسکو ایران.

۸. خبرگزاری تسنیم. (۱۴۰۱، اسفند ۸). درصد مدارس ایران به اینترنت متصل هستند خبرگزاری تسنیم.

۹. خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۰، بهمن ۲۰). آموزش سواد دیجیتال در ۵ درصد مدارس ابتدایی کشور

۱۰. مِگنا. (۱۴۰۳، مرداد ۲۹). آمار اتصال کودکان و نوجوانان به اینترنت

ب) منابع لاتین

۱. *Eshet, Y. (۲۰۰٤). Digital literacy: A conceptual framework for survival skills in the digital era. Journal of Educational Multimedia and Hypermedia, ۱۳(۱), ۹۳–۱۰٦.*

۲. *Godwin-Jones, R. (۲۰۱٥). Emerging technologies: The evolving roles of language teachers: Trained coders, local researchers, global citizens. Language Learning Technology, ۱۹(۱), ۱۰–۲۲.*

۳. *Hubbard, P. (۲۰۱۳). Making a case for learner training in technology enhanced language learning environments. CALICO Journal, ۳۰(۲), ۱٦۳–۱۷۸.*

٤. *Jones, R. H., & Hafner, C. A. (۲۰۱۲). Understanding digital literacies: A practical introduction. Routledge.*

٥. *Kessler, G. (۲۰۱۸). Technology and the future of language teaching. Foreign Language Annals, ٥۱(۱), ۲۰٥–۲۱۸.*

٦. *Martin, A. (۲۰۰۸). Digital literacy and the "digital society". In C. Lankshear & M. Knobel (Eds.), Digital literacies: Concepts, policies and practices (pp. ۱٥۱–۱۷٦). New York: Peter Lang.*

۷. *Ng, W. (۲۰۱۲). Can we teach digital natives digital literacy? Computers & Education, ٥۹(۳), ۱۰٦٥–۱۰۷۸.*

۸. *Prensky, M. (۲۰۰۱). Digital natives, digital immigrants. On the Horizon, ۹(٥), ۱–٦.*

۹. *Reinders, H. (۲۰۱۸). Digital language learning and teaching: Research, theory, and practice. Routledge.*

۱۰. *Reinders, H., & White, C. (۲۰۱٦). ۲۰ years of autonomy and technology: How far have we come and where to next? Language Learning & Technology, ۲۰(۲), ۱٤۳–۱٥٤.*

۱۱. *Selwyn, N. (۲۰۱۱). Education and technology: Key issues and debates. Bloomsbury Publishing.*

۱۲. *Stockwell, G. (۲۰۱۳). Technology in language learning: An overview. In G. Stockwell (Ed.), Computer-assisted language learning: research and practice (pp. ۱–۲۰). Routledge.*

۱۳. *Thorne, S. L. (۲۰۱۰). The "intercultural turn" and language learning in the crucible of new media. In S. Levy & M. Stockwell (Eds.), CALL dimensions: Issues and options in computer-assisted language learning (pp. ۱۳۹–۱٦۳). ESL & Applied Linguistics Professional Series.*

۱٤. *Warschauer, M. (۲۰۰۳). Technology and social inclusion: Rethinking the digital divide. MIT Press.*